

نقش ارزش‌ها در خط‌مشی‌گذاری سیاسی

حسین احمدی سفیدان*

مربی گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک
(تاریخ دریافت: ۸۹/۰۹/۰۹، تاریخ تصویب: ۸۹/۱۰/۲۵)

چکیده

ارزش، جزء لاینفک هر تصمیم و خط‌مشی‌گذاری است و نقش آن در فرایند خط‌مشی‌گذاری و شناخت آثار آن در چگونگی اخذ خط‌مشی حائز اهمیت فراوانی است. در این مقاله سعی بر این بوده است تا با استفاده از روش تحلیل محتوا، نقش ارزش‌های اسلامی به‌ویژه، توکل و تقوا و آثار و فواید توکل و تقوای سیاسی را در خط‌مشی‌گذاری سیاسی پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها: ارزش، خط‌مشی‌گذاری سیاسی، توکل، تقوا

*. E-mail: ahmadihosin@gmail.com

مقدمه

ارزش، جزء جدایی‌ناپذیر هر تصمیم و خط‌مشی‌گذاری است. در علم جدید سیاست‌گذاری باید تحلیل‌های ارزشی به شکلی وارد شده و به‌گونه‌ای روشن در هر تصمیمی، بارقه‌ای از ارزش‌های موجود ملاحظه شود. برای رسیدن به این مقصود، باید ارزش‌های حاکم بر جامعه تحلیل شده و کم و کیف آنها روشن شود؛ ارزش‌های واقعی از ارزش‌های ذهنی بازشناسی شوند و برپایه ارزش‌های علمی خط‌مشی‌ها شکل گیرند تا بتوانند علمی شده و به اجرا درآیند (مایکل هاوالت و ام راش، ۱۳۸۰، ۱۳۳). ارزش‌های ذهنی، آنهایی هستند که ممکن است در ادبیات، به‌صورت گفتارها و ضرب‌المثل‌ها ملاحظه شوند و ارزش‌های واقعی، آن دسته از ارزش‌هایی هستند که در رفتارها و کردارهای عملی مردم قابل مشاهده‌اند. در دانش خط‌مشی‌گذاری، تاکنون توجهی جدی به این امر نشده و روش مناسبی برای بررسی ارزش‌ها و چگونگی به‌کارگرفتن آنها در خط‌مشی‌ها تنظیم نشده است. در خط‌مشی‌گذاری باید به این نکته توجه خاص شود (حسن بنیان، ۱۳۸۶، ۲۳۲).

بررسی چگونگی ایجاد قوام و دوام و تغییر ارزش‌ها و حوزه نفوذ آنها در فرایند خط‌مشی‌گذاری، موجب تسهیل و بهبود در امر خط‌مشی‌گذاری در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی می‌شود. ارزش‌های نافذ در هر جامعه‌ای نقش اساسی و جهت‌دهنده در نحوه تصمیم‌گیری خط‌مشی‌گذاران ایفا می‌کنند و بررسی فرایندهای خط‌مشی‌گذاری بدون التفات به ارزش‌های مذکور، کار ناقصی است. به همین خاطر، در این مقاله، دو ارزش اسلامی «توکل» و «تقوا» که در ارتباط مستقیم با تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری سیاسی است، بررسی می‌شود.

ارزش و فرآیند خط‌مشی‌گذاری سیاسی

در فرایند سیاسی خط‌مشی‌گذاری، انسانی قرار دارد که به‌مدد سیاست‌بازی و با استفاده از اهرم‌های قدرت، به خط‌مشی‌های عمومی جهت می‌دهد و همین‌گونه در

فرایند سازمانی خطمشی‌گذاری، انسان‌هایی حضور دارند که در گردونه سازمان‌ها، به خطمشی‌ها شکل می‌دهند؛ همانگونه که ملاحظه می‌شود، «انسان»، اساس و بنیاد همه این فرایندها و رکن اساسی و اصلی خطمشی‌گذاری است و بدون وجود او تصمیم‌گیری در هیچ فرایندی تحقق نمی‌یابد.

فرایندهای خطمشی‌گذاری به‌مثابه کالبدهایی هستند که انسان به آنها روح می‌بخشد و فعالشان می‌سازد. «انسان» موجودی است که در تمامی فرایندهای خطمشی‌گذاری محور اصلی به‌شمار می‌آید و تابع اعتقادات، باورها، تلقی‌ها و ارزش‌هایی است که محرک وی و شکل‌دهنده اندیشه و رفتار او هستند. ارزش‌های فرد واقعیت‌های ملموس و قابل اثباتی هستند، زیرا اثرها و پیامدهای آنها را می‌توان به‌سادگی در رفتارهای فرد مشاهده کرد. در مورد مدیران و خطمشی‌گذاران نیز این مسئله صدق می‌کند و آنان نیز در برداشتهای، انتخاب‌ها و ارزیابی‌های خود ارزش‌هایشان را خودآگاه یا ناخودآگاه دخالت می‌دهند.

اصولاً ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، ارزش‌هایی هستند که براساس اعتقادات و جهان‌بینی موجود در هر جامعه‌ای شکل گرفته، مورد قبول و پذیرش اکثریت افراد آن جامعه‌اند و به آنها عمل می‌شود. ارزش‌های مذکور از ثباتی نسبی برخوردارند و معیار مشترکی برای سنجش خوب و بدها در آن جامعه محسوب می‌شوند. «ارزش تا آنجا معنادار است که علمی باشد؛ در غیر این صورت، دارای معنای حقیقی نخواهد بود، صرفاً اظهار عاطفی است که اصلاً قابل صدق و کذب نمی‌باشد» (احمد مسعود منصور، ۱۳۷۹، ص ۱۸، ۲۸-۲۹).

ارزش‌ها، مقدسات انسانی و فضیلت‌های اخلاقی‌ای هستند که انسان فارغ از اندیشه سود و زیان در برابر آنها سر تکریم و تقدیس فرود می‌آورد و برای آنها حرمت و قداست قائل است (علی شریعتی، ۱۳۵۶، ص ۹۶). به‌عبارت دیگر، ارزش‌ها معنای وجودی انسان هستند؛ چراکه وجه تمایز انسان با سایر موجودات نیز در داشتن ارزش‌های متعالی اوست. تقسیم‌بندی‌های مختلفی در مورد ارزش‌ها انجام گرفته است؛ در یکی از تقسیم‌بندی‌ها، ارزش‌ها به دو گروه اساسی و بنیادی، مانند ارزش‌های مذهبی و ارزش‌های کاربردی و فرعی مانند آداب و رسوم متداول در جامعه تقسیم گردیده‌اند. در یک تقسیم‌بندی دیگر، ارزش‌ها به

ارزش‌های مذهبی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، زیبایی‌شناسی، اقتصادی و علمی طبقه‌بندی شده‌اند.

در هر حال، ارزش‌ها بر رفتار و عملکرد انسان‌ها اثر گذارده، در جهت‌دادن به خط‌مشی‌ها مؤثر واقع می‌شوند. خنثی بودن خط‌مشی‌گذاران و کسانی که پشتوانه‌های اطلاعاتی و تخصصی آنها به‌شمار می‌آیند، از جهت ارزشی افسانه‌ای بیش نیست. در همه سطوح سازمانی و رده‌های حکومتی از فرد یا گروهی که امضاکننده و اعلام‌کننده خط‌مشی‌ها هستند تا افرادی که تدارک‌کننده اطلاعات و ستادهای تخصصی به‌شمار می‌آیند، همگی به ارزش‌هایی پایبندند که این باورها و اعتقادات در گزینش‌ها و اقداماتشان اثر می‌گذارد. همانگونه که قبلاً اشاره شد، تصمیم‌های عمومی حاصل نظرات و اقدامات جمعی است و یک فرد به‌تنهایی به وضع خط‌مشی اقدام نمی‌کند. در اینجا، این نکته قابل ذکر است که در خط‌مشی‌گذاری جمعی نیز ارزش‌ها نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند و تعامل بین افراد، جدا از چگونگی اعتقادات و ارزش‌های آنان نیست. هرگاه در مجموعه خط‌مشی‌گذاری، ارزش‌های یکسانی حاکمیت داشته باشد خط‌مشی‌گذاری با سهولت انجام می‌پذیرد و زمانی که تضاد ارزشی بین اجزای یک مجموعه ایجاد می‌شود، مسئله خط‌مشی‌گذاری دستخوش مشکلات و موانع بسیاری می‌گردد.

ریشه اصلی ارزش‌ها را باید در فطرت و وجود انسان جستجو کرد؛ انسان‌ها، ارزش‌های خود را از مذهب، خانواده، اجتماع، فرهنگ و محیطی که در آن زندگی می‌کنند، اخذ می‌نمایند. ارزش‌ها در طول زندگی شکل گرفته، تغییر و تحول می‌یابند. بدین ترتیب، با انجام‌دادن آموزش‌های فرهنگی در جامعه، می‌توان برخی از ارزش‌ها را به سمت خاصی متمایل، پاره‌ای را تقویت و بعضی را تضعیف کرد.

در نظام ارزشی اسلام که می‌باید بر جوامع و حکومت‌های اسلامی حاکم باشد، در باب خط‌مشی‌گذاری دو موضوع «توکل» و «تقوا» شایان توجه و بررسی است. خط‌مشی‌گذارانی که اعتقاد به ارزش‌های اسلامی را راهنمای خود قرار داده‌اند، به این دو مقوله، عنایت و توجه خاص داشته در تصمیم‌گیری و انتخاب‌های خود آنها را مدنظر دارند.

۱- توکل

توکل پایگاهی اعتقادی بین مسلمین دارد و آنان در تصمیم‌گیری و اتخاذ خط‌مشی، بسیار بدان تمسک می‌جویند. «توکل در لغت به معنای جمع کردن عزم بر فعل، با اطمینان قلبی به خدای تعالی و افکندن تن در عبودیت و تعلق قلب به ربوبیت است»؛ (خلیل جر، ۱۳۶۳، ۶۸۳). توکل در اصطلاح به معنای آن است که شخص در امور خویش خداوند را به‌عنوان کسی که سررشته همه امور و قدرت در دست اوست و اراده وی بر همه چیز حاکم است، تکیه‌گاه خویش قرار دهد و به امید حمایت و کمک و یاری او اقدام کند و همچنین، در مفهوم تکیه‌کردن، اعتماد کردن بر دیگری و او را نایب خود قراردادن نیز به کار رفته است. در جای دیگر توکل اینگونه تعریف شده است:

«توکل منزلی است، از منازل دین و جایگاه و مقامی است، از مقامات اهل یقین و از بالاترین درجات دوستان و مقربان الهی است. توکل به‌خودی خود امری پیچیده است به جهت علم، سپس مشکل است، از جهت عمل»؛ (فیض کاشانی، بی‌تا) جلد ۷).

در یک تعریف کلی:

«توکل عبارت است، از اینکه انسان زمام امور خود را به‌دست غیرخود دهد و تسلیم او شود که هرچه او صلاح دید و کرد، همان را صلاح خود بداند و این خود از اخص آثار عبودیت است»؛ (طباطبایی، ۱۳۷۴ ج ۲۴، ۲۷۶).

حقیقت یقین را باید در توکل جستجو کرد. میان توکل و یقین پیوندی ناگسستنی برقرار است؛ (خوانساری، بی‌تا، ج ۲، ۴۸۸).

بشر برای موفقیت در زندگی مادی احتیاج به دوگونه اسباب دارد، یکی اسباب طبیعی و دیگر اسباب روحی؛ پس از آنکه علل و اسباب طبیعی آن را مهیا کرد دیگر در راه وصول او به هدف، جز مهیا نبودن عوامل روحی از قبیل سستی‌اراده، ترس،

اندوه، بی‌خردی، غضب، سفاهت، بدبینی و غیر اینها، مانعی وجود ندارد و آنگاه که قلب خود را با سیم‌های نامرئی اتکا و توکل به دریای قدرت و عظمت الهی متصل می‌کند، اراده و همچنین، سایر صفات روحی او آنچنان قوی و نیرومند می‌شود که مغلوب هیچ عامل دیگری نمی‌شود؛ در نتیجه، به موفقیت قطعی و سعادت واقعی نائل می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ۱۱۳).

در قرآن کریم آیات بسیاری در مورد توکل آمده‌است که به ذکر برخی از آنها می‌پردازیم و اثر آن بر خطمشی‌گذاری و تصمیم‌گیری را بیان می‌کنیم. توکل عاملی برای انگیزش و اراده فرد با ایمان است. همچنانکه در آیه ۲۳ سوره مائده به این صورت آمده است، به دو نفر از کسانی که بنی‌اسرائیل از ایشان خوف داشتند و خداوند به آن دو نعمت اسلام را داده بود، وعده فتح و پیروزی بر دشمن را داده می‌گویند:

«بر خدا توکل کنید اگر ایمان دارید»؛ زیرا خدای عزیز، کفایت می‌کند کسانی را که بر او توکل کنند. آنان می‌خواستند با این جمله دل‌های مردم را پاک و تشجیع و تحریکشان کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ۱۳۸).

امام رضا (ع) می‌فرماید:

ایمان بر چهار رکن استوار است: توکل بر خدای عزوجل، رضا به قضای الهی، تسلیم امر خدا بودن، تفویض و واگذاری امور خود به خدا (محمدی ری شهری ۱۳۷۹، ج ۴، ۳۶۵۶).

توکل موجب می‌گردد که خداوند اهل ایمان را یاری کند و از ضلالت و گمراهی نجاتشان دهد. «و چون قرآن بخوانی، از شیطان مطرود به خدا پناه بر که شیطان بر کسانی که ایمان دارند و به پروردگار خویش توکل می‌کنند، تسلط ندارد.»؛ (نمل، آیات ۸ و ۹۹) از آیات فوق دو نکته استنباط می‌شود اول اینکه استعاذه به خدا، توکل بر خداست، چه خدای سبحان در تعلیل لزوم استعاذه، به‌جای استعاذه، توکل را آورده و سلطه شیطان را از متوکلین نفی کرده. دوم اینکه، ایمان و توکل دو

ملاک صدق عبودیت‌اند که ادعای عبودیت با نداشتن آن دو ادعایی کاذب است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ۲۶۶)

نکته دیگری که از مفهوم توکل استنباط می‌شود، آن است که مومنان باید در اعمال و تصمیم‌گیری‌های خود بر خدا توکل نموده و آنچه را که دستورات اوست، الگو و راهنمای خود قرار دهند. در آیه ۱۱ سوره مائده خداوند بر تقوا و توکل امر می‌نماید و انسان را از ترک تقوا و توکل بر حذر می‌دارد. مؤمنان باید در امور دینی خود بر خداوند توکل کنند، بدین‌معنا که خدا را در این امور وکیل مطلق خویش قرار داده، آنچه را که او برایشان اختیار کند، اختیار نمایند و آنچه را که او برایشان بد بداند، بد بدانند و راه این معنا، این است که با ایمان به پیامبران، آنان را اطاعت کنند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ۶۱)

و سرانجام، خداوند محبت و رحمت خود را نسبت به پیامبر خویش و متوکلان، ابراز می‌نماید:

«... و آنگاه که بر کاری تصمیم گرفتی، توکل بر خدا کن چه آنکه خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد، اگر خدا شما را یاری کند هیچ‌کس بر شما پیروز نخواهد شد و اگر هم شما را واگذارد، کیست که بعد از آن شما را یاری کند و مؤمنین بر خدا توکل کنند»؛ (آل‌عمران، ۱۵۹ و ۱۶۰).

آیه ۱۷۳ همین سوره، کسانی که خدا را وکیل خود قرار داده‌اند، مؤمنانی می‌داند که رو به نعمت و فضل الهی آورده و خشنودی او را طلبیده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ۹۴ - ۱۱۰).

انسانی که تنها از خدا بترسد و نسبت به او خشیت و هراس داشته باشد و تکیه‌گاه خود را خدا قرار دهد، هرگز در برابر مشکلات و فشارها کم نمی‌آورد. «ما به موسی و هارون، وسیله جداکردن حق از باطل و نور و آنچه مایه یادآوری برای پرهیزکاران است، دادیم. همان کسانی که از پروردگارشان در نهان می‌ترسند، و از قیامت بیم دارند (انبیاء، ۴۸ و ۴۹)» و «موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جوئید و استقامت پیشه کنید که زمین از آن خداست و آن را به هرکس از

بندگانیش که بخواهد واگذار می‌کند؛ و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است»؛ (اعراف، ۱۲۸)

نقش توکل در خطمشی‌گذاری سیاسی

در خطمشی‌گذاری و تصمیم‌گیری، فرد یا گروه خطمشی‌گذار و تصمیم‌گیرنده ممکن است از جهت مخاطرات ناشی از تصمیم، بیم و وحشت داشته باشد و در اتخاذ تصمیم مردد گردد؛ در اینگونه موارد خداوند می‌فرماید؛ توکل دل انسان‌ها را از ترس و بیم حفظ می‌کند. مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر بخشی از آیه ۸۹ سوره اعراف می‌نویسد:

«خداوند کسی را که به او اعتماد و توکل می‌کند از شرّ هر چیزی که از آن بترسد حفظ می‌کند»؛ (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ۲۶۶).

توکل پناه فرد مسلمان در مقابل تهدیدها و ارباب‌هاست. خداوند می‌فرماید:

«داستان نوح را برای مردم بخوان که به قوم خود گفت: قوم من! اگر برای شما گران است که من قیام کرده‌ام و شما را به یاد آیات خدا می‌آورم، پس من بر خدا توکل کردم و شما هر تصمیمی می‌خواهید با شریکان خود بگیرید و در این تصمیم اندوه به خود راه ندهید و کار مرا بسازید و مهلتم ندهید»؛ (یونس، ۷۱).

در این آیه نوح با مردم تحدی (اتمام حجت) کرد که هر چه می‌توانند انجام دهند و در این زمینه حجت را برای کسانی که تکذیبش می‌کردند، تمام کرد. او به قوم خود گفت:

«قوم من! ... در مقابل تهدیدی که از ناحیه سینه‌های دردمند و روحیه‌های تنگ شما متوجه من است، بر خدا توکل کرده‌ام و کارم را به او ارجاع داده و او را وکیل خود ساختم تا در شئون من تصرف کند و خود را گرفتار تدبیر و نقشه‌کشی نکرده‌ام».

در این آیه، نوح با قوم خود تحدی می‌کند که هرچه به نظرشان می‌رسد، انجام دهند؛ این مطلب روشن می‌کند که خدای او قادر است که آنان را دفع کند، هرچند علیه او تصمیم گرفته، از شرکا و خدایان خود درخواست کمک کرده باشند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ۱۶۹).

خداوند به پیامبرش می‌فرماید:

«اما هنگامی که تصمیم‌گرفتی، (قاطع باش و) بر خدا توکل کن»؛
(آل عمران، ۱۵۹)

در اغلب اوقات تصمیم‌گیرنده در راه اخذ تصمیم به مدد و کمک و نقطه اتکایی نیاز دارد تا بدون بیم و هراس کار انتخاب را انجام‌دهد و توکل، این نقطه اتکا و قوت‌قلب را برای وی فراهم می‌آورد.

«و بر خدا توکل کن که خدا (برای تکیه‌کردن هرکس) اعتماد را کافی است»؛ (احزاب، ۳).

این آیه دلالت می‌کند بر امر توکل بر خدا که از وحشت و دلواپسی جلوگیری می‌کند و موجب اتکا و مدد انسان می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳۲، ۱۲۱). همچنین، خداوند می‌فرماید:

«و یادآور زمانی را که دو دسته از شما ترسان شده و به فکر سستی افتادند و حال آنکه خداوند یار آنان بود و مومنان هم باید فقط بر خدا توکل کنند»؛ (آل عمران، ۱۲۲).

براساس این آیه شریفه، سزاوار نیست که شخص مؤمن با آنکه می‌داند خدا یار و یاور اوست، ترسیده و ضعف و زبونی به خود راه دهد. این وظیفه مؤمنین است که امر خود را به خدا واگذار نموده، به او توکل کنند و کسی که به خدا توکل کرد، خدا هم نگهدار او خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ۸). این آیه و آیات بعدی در مورد غزوه احد است که چون مؤمنین دچار ترس و سستی و ضعف اراده شده

بودند، آیات مذکور نازل گردید. بنابراین، یکی از مواردی که توکل ضرورت پیدا می‌کند، زمانی است که فرد به‌مدد توکل، ترس و ضعف را از خود دور کرده، با عزمی استوار پیش می‌رود.

توکل به‌عنوان نشانه‌ای از ایمان فرد، باعث می‌شود که ضعف و زبونی و ذلت از او دور گردد. موسی گفت:

«قوم من! اگر به خدا ایمان آورده‌اید، تنها بر او توکل کنید، اگر مسلمانید. گفتند: فقط به خود توکل کردیم. پروردگارا، ما را موجب فریب مردم ستمگر قرار مده!» (یونس، ۸۴ و ۸۵).

دلالت آیات بر این است که ایمان به خدا این فایده را برای مؤمن دارد که او را ولو به‌طور اجمال، به مقام پروردگار خویش آشنا می‌کند و مؤمن می‌داند که خدا سببی است فوق همه اسباب و همه اسباب به او منتهی می‌شود و تنها اوست که سررشته‌دار و مدیر همه چیز است. ایمان، با این حقایقی که به مؤمن می‌آموزد، او را فرامی‌خواند که کار خود را تسلیم خدا کند و از اعتماد بر ظاهر اسباب که می‌توان آنها را به‌عنوان سبب به کاربرد اجتناب ورزد که چنین اعتمادی ناشی از جهل است. لازمه این حالت، این است که شخص همه کارش را به خدا ارجاع کند و بر او توکل نماید. در این آیه موسی سخن خود را با شرط دیگری که اسلام است به پایان برده است. پس تقدیر کلام این است که اگر شما به خدا ایمان آورده‌اید و تسلیم او هستید، بر خدا توکل کنید و آنان نیز بر خدا توکل کردند و از وی خواستند که آنها را از فتنه فرعون نجات بخشد و ضعف و ذلت را از آنان سلب کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ۱۸۵).

خطمشی‌گذاری سیاسی جز با توکل و استعانت جویی از خداوند نمی‌تواند مدیریت شود؛ زیرا فشارها و توطئه‌های درونی و بیرونی، بسیار شدید و جانکاه است و گاه می‌شود که براساس معیارهای عقلانی و حساب و کتاب‌های معمولی نمی‌توان کاری از پیش برد و شکست براساس این استانداردها و ملاک‌ها، یقینی است.

در اینجاست که نقش توکل و استعانت از خدا خودنمایی می‌کند و تأثیر شگرف خود را نشان می‌دهد.

توکل در خطمشی‌گذاری سیاسی در کنار توجه به اسباب طبیعی، برای انسان، شجاعت و شهامت (یونس، ۷۱)، صبر و شکیبایی در برابر مشکلات (ابراهیم، ۱۲)، آرامش (آل عمران، ۱۷۲ و ۱۷۳)، استقامت و پایداری (آل عمران، ۱۲۱ و ۱۲۲)، روحیه قوی یا «همان» امدادهای غیبی الهی (آل عمران، ۱۶۰)، رضایت (آل عمران، ۱۷۳ و ۱۷۴)، محبت خداوند (توبه، ۵۹) و در نهایت پیروزی (آل عمران، ۱۲۲ و ۱۲۳) و موفقیت را به دنبال خواهد داشت.

بنابراین، اگر تنها به این فواید و آثار توکل توجه شود ارزش و جایگاه توکل در خطمشی‌گذاری سیاسی روشن خواهد شد. به این معنا که اگر برای توکل در کنار عمل به اسباب و استفاده از آنها نقشی جز ایجاد آرامش و تقویت روحیه و صبر و شکیبایی و استقامت نگیریم همین اندازه خود نشان می‌دهد که تا چه حد توکل و باور به آن می‌تواند در خطمشی‌گذاری سیاسی جامعه اسلامی راهگشا و مؤثر باشد.

آنچه مهم است کارکردهایی است که در حوزه سیاستگذاری برای توکل می‌توان یافت، هرچند که کارکردهای توکل بیش از این موارد پیش گفته است و به یقین تأثیرات سازنده‌تر و مفیدتری دارد که در آیات قرآن به آنها اشاره شده است.

۲- تقوا

تقوا، جامع‌ترین وصیت خدا (قمی، ۱۴۱۶، ج ۲، ۶۷۹) و از تجلی‌های مهم ایمان و از لوازم اصلی برقراری مناسبات صحیح انسانی است (عباس نژاد، ۲۰۶، ۱۳۸۴). از نظر لغوی از ماده «وقایه» به معنای خود نگهداری و از مشتقات آن است (ر.ک، راغب، ذیل ماده وقایه). ابزاری که انسانی در پناه آن خود را از شرّ چیزی محافظت می‌کند «وقایه» نامیده می‌شود. اگر در تندبادها و توفان شن، پارچه‌ای در جلوی صورت گرفته شود این وقایه از توفان است و اگر سپر جنگی و

یا زره برتن شود آن نیز وقایه است انسان برای رهایی از هر شرّی حتی گرما و سرما به وقایه پناه می‌برد و خود را در پناه آن از گزند اموری که شرّی را متوجه او می‌سازد حفظ می‌کند. این‌گونه است که وقایه به معنای خود نگهداشتن از هر شرّ و بدی است که متوجه شخص می‌شود. انسان گاه گام از این فراتر می‌نهد و پیش از آن که مورد تهدید قرار گیرد و یا شرّی وی را دربرگیرد از آن پرهیز می‌کند؛ چنین شخصی را متقی می‌گویند. بنابراین مفهوم دیگر یاز تقوا که به ذهن‌خطور می‌کند پرهیزگاری است؛ این معنای احتیاطی تقواست. به سخنی دیگر، دوگونه تقوا در این جا مطرح است: تقوایی که انسان هنگام حضور جدی شرّی در پناه آن قرار می‌گیرد و خود را از آن شرّ محفوظ نگه‌می‌دارد که در این صورت تقوای در هنگام حضور بلا و شرّ است؛ و تقوایی که پیش از حضور شرّ به عنوان پیشگیری انجام می‌شود. از این رو تقوا گاه به معنای معادل تام و تمام «پرهیزگار» نگهداشتن از شرّ می‌آید و گاه به معنای پیشگیری از شرّ از آن اراده می‌شود. در این معنای اخیر، واژه فارسی پرهیزگار معادل آن است ولی در معنای دیگر آن چنین نیست. پرهیزگار انسانی محتاط است و می‌کوشد تا از موضع شرّ و جایی که احتمال حضور بلا و شرور داده می‌شود پرهیز کند و بدان نزدیک نشود.

تقوا در مراتب عالی‌تر به تسلیم در برابر خدا (زخرف، ۶۷ و ۶۹) و تهجد و شب زنده‌داری (آل عمران، ۱۱۳ و ۱۱۵ و ذاریات، ۱۵ و ۱۷) خوف از قیامت (انبیاء ۴۸ و ۴۹) و ذکر خدا (آل عمران، ۱۳۳ و ۱۳۵)، سجده طولانی و تلاوت قرآن (آل عمران، ۱۱۳ و ۱۱۵)، پرداخت زکات به عنوان حکم دینی (بقره، ۱۷۷)، اطاعت خدا (آل عمران، ۱۵ و ۱۷) و اقامه نماز (بقره، ۱۱۷) معنا شده و از صفات متقین برشمرده شده است. «تقوا جامع همهٔ خصلت‌ها و اندرزهای سودمند است؛ ارشاد، تنبیه، خیر، پویندگی راه حق، در این کلمه به مفهوم واقعی‌اش وجود دارد (محفوظی، ۱۳۸۸، ۱۶۸)».

تقوا از واژگان کلیدی قرآن است. به‌گونه‌ای که برخی ایمان را جز به تقوا معنا نمی‌کنند و براین باورند که انسانی که اهل تقوا نباشد اصولاً نمی‌تواند مدعی آن باشد که مؤمن است و به خدا و رسالت و قیامت ایمان دارد. از این رو عنوان تقوا در شبکه محوری و اساسی اصطلاحات و واژگان کلیدی قرآن و

اسلام جامی‌گیرد. این باور درستی است؛ زیرا تقوا چه در مفهوم لغوی آن و چه در مفهوم اصطلاحی، نماد و جلوه‌ای از باورها و بینش‌ها و نگرش‌های انسانی است. هرچند که در تعریف تقوا به گونه‌ای عمل می‌شود که آن را در همه حوزه‌ها وارد می‌سازند و مسئله را به تقوای بینشی و اعتقادی نیز می‌کشانند ولی بی‌گمان تقوا امری در حوزه کنش‌ها و منش‌ها و واکنش‌هاست. به سخن دیگر تقوا، امر نظری محض و صرف نیست که در حوزه امور انتزاعی و عقلی قرارگیرد، بلکه امری است که به طور مستقیم با حوزه عمل انسانی ارتباط دارد. بنابراین، اگر کسی مدعی شود که تقوا عملی انسانی است که بیانگر نوع تفکر و بینش و نگرش و باورهای هرکسی است. اگر کسی را بخواهید بشناسید، پیش از آن که به سخنان وی توجه کنید، بهتر است به منش و رفتار او بنگرید؛ چون عمل، بازتابی از درون است. اگر کسی به ایمان واقعی دست‌یافته باشد، بی‌گمان آن را به شکل تقوا در حوزه عمل خویش بروز می‌دهد.

براساس این در آموزه‌های قرآنی ارتباط تنگاتنگی میان ایمان و تقوا وجود دارد و هرکجا از ایمان واقعی سخن رفته از تقوا نیز سخن به میان آمده است. خداوند در آیاتی چند، از جمله آیه‌ای موسی به قوم خود گفت:

«از خدا یاری جوید، و استقامتی پیشه کنید، که زمین از آن خداست؛ و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، واگذار می‌کند و سرانجام برای پرهیزکاران است» (اعراف، ۱۲۸)

یکی از شرایط دستیابی به مقام رهبری امت را تقوا می‌داند و در آیات دیگری چون:

«و این‌گونه ما به یوسف در سرزمین (مصر) قدرت دادیم، که هر جا می‌خواست در آن منزل می‌گزید (و تصرف می‌کرد). ما رحمت خود را به هر کس بخواهیم (و شایسته ببینیم) می‌بخشیم؛ و پاداش نیکوکاران را (حتی در این دنیا) ضایع نمی‌کنیم (یوسف، ۵۶)

اما پاداش آخرت، برای کسانی که ایمان آورده و پرهیزگاری داشتند، بهتر است» (یوسف، ۵۷)

گفتند «آیا تو همان یوسفی» گفت: «آری»، من یوسفم، و این برادر من است! خداوند بر ما منت گذارد؛ هر کس تقوا پیشه کند، و شکیبایی، و استقامت نماید، (سرانجام پیروز) می شود چرا که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند» (یوسف، ۹۰).

از تقوا به عنوان مهم ترین عامل رسیدن به مقام حکومتی سخن می گوید. به این معنا که نه تنها تقوا از شرایط رهبر بلکه هر مقام و منصب حکومتی است. به عبارت دیگر اگر کسی بخواهد مسئولیت سیاسی در جامعه به عهده گیرد می بایست نخست اهل تقوا باشد. آیه، ۱۲۸ سوره اعراف تبیین می کند که تقوایی که ملاک و معیار سنجش و انتخاب است، تقوایی ثابت و پایدار است؛ به این معنا که شخص می بایست در مسیر خودسازی و تقوا چنان پیشرفت کرده باشد که مصداق متقین بوده و تقوا در تمام تار و پودش رسوخ کرده باشد. «پس همواره با تقوا بودن انسان را به مقام شامخ ولایت می رساند طوری که خود می شود ولی ... و این ولی خدا در امن خداست.» (جوادی آملی، ۱۳۶۷، ۳۸) از این آیات به دست می آید تقوایی که در حوزه خطمشی گذاری سیاسی مطرح است به سبب همان ویژگی امور سیاسی، تقوای کامل و تمام است. تنها انسان هایی می بایست مسئولیت خطمشی گذاری سیاسی و حکومتی را به عهده گیرند که در کامل ترین و عالی ترین درجه تقوا قرار گرفته و مصداق متقین باشند.

نقش تقوا در خطمشی گذاری سیاسی

اگر به تحلیل قرآن از تقوا و فواید و آثار آن توجه شود، معلوم می شود که تقوا تا چه اندازه در خطمشی گذاری سیاسی می تواند تأثیرگذار و مفید باشد؛ زیرا بسیاری از مشکلات جوامع بشری به سبب آن است که مسئولان و رهبران اجتماعی و سیاسی که نقش اصلی در خطمشی گذاری سیاسی ایفا می کنند، از تقوا برخوردار نیستند. تقوا به عنوان عامل مدیریت، قانون مداری، مهار و کنترل

درونی، وجدان بیدار انسانی، تشویق‌کننده به نیکوکاری و منش و خوی سالم و اخلاقی و ترغیب‌کننده به سوی هنجارها و بسیاری از امور و مسایل دیگر، مهم‌ترین عامل در حوزه خط‌مشی‌گذاری سیاسی است که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد.

با نگاهی کوتاه به وضعیت جوامع بشری می‌توان دریافت که علت بسیاری از مشکلات در حوزه تصمیم‌گیری سیاسی و اجتماعی، فقدان تقواست. تقوای سیاسی، نیاز اساسی جوامع بشری است و می‌توان آن را آب زندگی جوامع دانست، زیرا با فقدان تقوای سیاسی است که مسئولان در مسیر سوءاستفاده از قدرت و مکنتی قرار می‌گیرند که از سوی مردم به عنوان امانت در اختیار ایشان نهاده شده است.

تقوای سیاسی حالتی یک‌سویه ندارد. به عبارت دیگر، وجود صرف این ویژگی در سیاستمدار کمال‌جامعه را در پی نخواهد داشت، بلکه مردم جامعه نیز باید فرهنگ و درک استفاده از زمامدار باتقوا را داشته باشند. در غیر این صورت، زمامداری که در حد اعلای رشد و کمال تقوای سیاسی باشد، به زجر و شکنجه و دلشکستگی دچار می‌گردد. همانگونه که مولای متقیان (ع) از مردم بی‌وفای کوفه چنین ضربه‌ای را متحمل گردید. از سوی دیگر، اختلال در تقوای سیاسی سیاستمدار نیز بدون تردید اثر خود را در جامعه برجای می‌نهد و از رشد و کمال و هماهنگی مردم آن می‌کاهد. در مجموع می‌توان باور داشت که تقوای سیاسی و فردی، از عناصر تأثیرگذار در سیره سیاسی امام علی (ع) به شمار می‌آید.

اگر در جامعه‌ای، تقوای سیاسی در میان مسئولان خط‌مشی‌گذار رعایت شود، مردم جامعه نیز در مسایل دیگر، تقوای اجتماعی را در پیش می‌گیرند و جامعه به سوی امنیت و آرامش سوق داده می‌شود:

«آری، (امروز هم) اگر استقامت و تقوا پیشه کنید، و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، پروزدگارتان شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان نشاندار، مدد خواهد داد.» (آل عمران، ۱۲۵)

«ولی این (باری فرشتگان) را خداوند فقط برای بشارت، و اطمینان خاطر شما قرار داده؛ وگرنه، پیروزی تنها از جانب خداوند توانای حکیم است.»
(آل عمران، ۱۲۶)

«و به یقین، پرهیزکاران در باغهای (سرسبز) بهشتی و در کنار چشمه‌ها هستند. (حجرات، ۴۵)، (فرشتگان به آنها می‌گویند) داخل این باغها شوید با (نهایت) سلامت و امنیت.» (حجرات، ۴۶)

هر چند که در این آیات از آرامش و امنیت و آسایش اخروی و ابدی سخن به میان آمده است ولی نمی‌توان این نکته لطیف را از یاد برد که خداوند آرامش و آسایش ابدی را نتیجه طبیعی تقوا برشمرده است؛ بنابراین به طور طبیعی اگر کسی در دنیا در پی امنیت و آرامش و یا آسایش است می‌بایست تقوا را مراعات کند. این مطلب در آیات دیگر به خوبی بیان شده است؛

«و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، به یقین برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.»
(اعراف ۹۶)

قرآن بهره‌مندی جوامع بشری از توسعه و برکات فراوان و گوناگون آسمانی و زمینی و نیز مادی و معنوی را در گرو تقوای جوامع برمی‌شمارد و آن را برآیند طبیعی تقوا معرفی می‌کند. براین اساس می‌توان گفت که اصولاً دستیابی به تمدن و آسایش و آرامش در دنیا نیز تنها از مسیر تقوا، شدنی است، در غیر این صورت نمی‌توان سخنی از آسایش و آرامش به میان آورد، هر چند به‌نظر می‌رسد کسانی به دور از این عنصر توانسته‌اند به آن دست یافته باشند ولی اگر دقت شود معلوم می‌شود که این یا توهمی بیش نبوده و یا آن که آنان به نوعی با رعایت تقوای اجتماعی و سیاسی توانسته‌اند به این آرامش و آسایش نسبی دست یابند، زیرا خداوند هرگز اجر و پاداش کسی را تباه و ضایع نمی‌سازد و اگر جامعه‌ای تقوای سیاسی و اجتماعی را رعایت کند حتی اگر کافر باشد از برکات همین تقوا و آثار آن در دنیا برخوردار می‌شود.

در مقابل، در هر جامعه‌ای که تقوای سیاسی و اجتماعی مانند پرهیز از ظلم و تجاوزگری به حقوق دیگران، دامن‌زدن به اغتشاشات، قانون‌گریزی و تقویت نابه‌هنجاری‌ها و ترک امر به معروف و نهی از منکر مراعات نشود، آن جامعه نمی‌تواند رنگ آسایش و آرامش را به خود ببیند و هرج و مرج، همه ارکان آن را دربرمی‌گیرد و جامعه از درون دچار فروپاشی می‌شود.

اگر مدعیان رهبری و مسئولان سیاسی و اجتماعی تصمیم‌گیر، به مردم دروغ بگویند تا مقام و منصب خویش را حفظ کنند، به سبب آن که از تقوا دور شده و آن را به‌کناری نهاده‌اند، بی‌اعتمادی اجتماعی را دامن زده‌اند که نتیجه طبیعی آن واگرایی اجتماعی و فرار سرمایه‌ها از آن جامعه خواهد بود.

آنچه که ما به‌عنوان تقوای سیاسی مورد اشاره قرار داده‌ایم، در واقع به رعایت اصول و موازین اخلاقی و قواعد و ارزش‌های انسانی برمی‌گردد که یک خط‌مشی‌گذار سیاسی مسلمان در عرصه عمل به آن توجه دارد. هر شخص که به نوعی با حوزه قدرت در عرصه سیاست مرتبط است با در نظر گرفتن وسوسه‌ها و چالش‌هایی که این حوزه ممکن است برای او داشته باشد نیازمند درجه‌ای از تقوا و پرهیزگاری است تا از سقوط در دره تباهی مصون باشد. بر همین مبنا می‌توان با الگو گرفتن از سیره ائمه اطهار خصوصاً مولای متقیان حضرت علی (ع) چهارچوب نهادینه کردن سیاست اخلاقی و ایجاد تقوای سیاسی را در میان مسئولین با توجه به مقتضیات امروز ترسیم کرد.

مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مرکز آزمون‌های الهی، امور اجتماعی و سیاسی به ویژه حوزه خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری است. در این حوزه است که مردم حقیقت خود را آشکار می‌کنند و تنها کسانی که در خودسازی و تزکیه نفس کوشیده‌اند، می‌توانند با تقوای سیاسی و اجتماعی از آزمون‌ها سربلند بیرون آیند در این میان آزمون‌های اجتماعی برای همگان مهم‌ترین آزمون‌ها است؛ زیرا در تعامل با دیگری است که هرکسی خود واقعی و حقیقی خویش را نشان می‌دهد. در این موارد است که شخص نشان می‌دهد تا چه اندازه توانسته است در خودسازی و تزکیه نفس موفق باشد و از تقوای الهی برخوردار گردد.

از میان آزمون‌های اجتماعی که در تعامل با دیگران است، آزمون‌های خطمشی‌گذاری سیاسی به سبب ویژگی‌ها و خصوصیات خاص آن، نقش روشنگری و تعیین‌کننده ویژه‌ای نیز دارد.

نتیجه

با توجه به اینکه ارزش، جزء لاینفک هر تصمیم و خطمشی‌گذاری است و نقش آن در فرآیند خطمشی‌گذاری و شناخت آثار آن در چگونگی اخذ آن اهمیت فراوانی دارد بنابراین در جامعه اسلامی، خطمشی‌گذاری باید با بهره‌گیری از ارزش‌های حاکم بر آن صورت گیرد. ارزش‌ها بر رفتار و عملکرد انسانها اثر می‌گذارند و در جهت دادن به خطمشی‌ها موثر هستند. ریشه اصلی ارزش‌ها را باید در فطرت انسان جست و جو کرد، انسان‌ها ارزش‌های خود را از مذهب، خانواده، اجتماع، فرهنگ و محیطی که در آن زندگی می‌کنند، اخذ می‌نمایند.

در نظام ارزشی اسلام که می‌باید بر جوامع و حکومت‌های اسلامی حاکم باشد، در باب خطمشی‌گذاری دو موضوع «توکل» و «تقوا» شایان توجه و بررسی است. خطمشی‌گذارانی که اعتقاد به ارزش‌های اسلامی را راهنمای خود قرار داده‌اند به این دو مقوله عنایت و توجه خاص داشته، در تصمیم‌گیری و انتخاب‌های خود آنها را مدنظر دارند.

خطمشی‌گذاری سیاسی جز به توکل و استعانت جویی از خداوند نمی‌تواند تدوین گردد، زیرا فشارها و توطئه‌های درونی و بیرونی، بسیار شدید و جانکاه است. گاهی می‌شود که براساس معیارهای عقلانی و حساب و کتاب‌های معمولی نمی‌توان کاری را از پیش برد و شکست براساس این استانداردها و ملاک‌ها، یقینی است، در این جاست که توکل و استعانت از خدا تأثیر شگرف خود را نشان می‌دهد.

تقوا نیز از تجلی‌های مهم ایمان و از لوازم اصلی برقراری مناسبات صحیح انسانی است. تقوا بعنوان عامل مدیریت، قانون‌مداری، مهار و کنترل درونی، وجدان بیدار انسانی، تشویق‌کننده به نیکوکاری و منش و خوی سالم و اخلاقی و ترغیب‌کننده به سوی هنجارها و بسیاری از امور و مسائل دیگر،

مهم‌ترین عامل در حوزه خط‌مشی‌گذاری سیاسی است که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- هاولت مایکل و ام راش، (۱۳۸۰)، *مطالعه خط‌مشی عمومی*، ترجمه عباس منوریان و ابراهیم گلشن، تهران، نشر مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- بنیانیان حسن، (۱۳۸۶)، *فرهنگ و توسعه؛ خط‌مشی‌گذاری برای تقویت فرهنگ توسعه در ایران*، تهران، امیرکبیر.
- منصوری، احمدمسعود، (۱۳۷۹)، *نقش ارزش‌ها در فرایند تصمیم‌گیری*، مجله مدیریت و توسعه، ش ۷.
- شریعتی، علی، (۱۳۵۶)، *خودسازی انقلابی*، دفتر تدوین و نشر مجموعه آثار علی شریعتی در اروپا.
- جر، خلیل، (۱۳۶۳)، *المعجم العربی الحدیث*، ترجمه سیدحمید طبیبیان، تهران؛ امیرکبیر.
- فیض کاشانی، ملامحسن، (بی‌تا)، *المحجۃ البیضاء*، جلد هفتم کتاب التوحید و التوکل.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۶۸)، *تفسیر المیزان*، قم: انتشارات اسلامی.
- _____، (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، مترجم محمدباقر موسوی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عباس نژاد، محسن، (۱۳۸۴)، *قرآن، مدیریت و علوم سیاسی*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- جوادی آملی، عبدالم...، (۱۳۶۷)، *اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی*، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ دوم.
- خوانساری، جمال‌الدین محمد، (بی‌تا)، *شرح فارسی غرر الحکم و درر الکلم*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم.

محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۹)، *میزان الحکمه*، قم، دارالحديث
قمی، شیخ عباس، (۱۴۱۶.ه.ق)، *سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار*، تهران، دار
الاسوه للطباعه و النشر
محفوظی، عباس، (۱۳۸۸)، *اخلاق اسلامی*، قم، مشهور.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (بی تا) *مفردات الفاظ القرآن*.